

پیش‌خوان

«امریکا و تجزیه طلبی قومی در ایران» در آیینه یک اثر نوانتشار

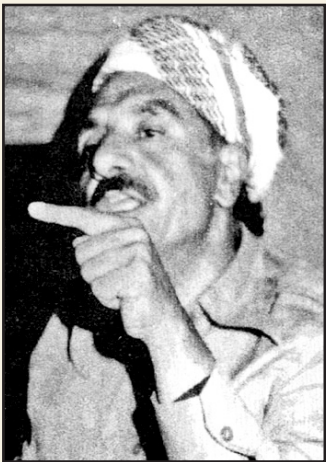
خواب دیرین استعمار برای تمامیت ارضی ایران

■ **شاهد توحیدی**



کشورمان را دچار چالش داخلی سازد. هم از این روی، از پیروزی انقلاب اسلامی تا هم ایک – که نزدیک به چهل و پنج سال از تأسیس نظام برآمده از آن می‌گذرد- مسئله قومیت‌ها همواره برای دشمنان تمامیت ارضی ایران، مهم قلمداد شده است. «امریکا و تجزیه طلبی قومی در ایران» سعی دارد تا با نگاهی مبتنی بر اسناد، مسیر تاریخی موضوع را بازنمایند. این اثر توسط جواد حقگو تألیف شده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی، به انتشار آن همت گماشته است. تارنمای ناشر در تبیین اهمیت موضوع این اثر، به نکات ذیل اشارت برده است:

«نگاهی به چالش‌های قومی ۱۰۰ سال اخیر به ویژه بعد از تحولات مشروطه، جنگ جهانی دوم و انقلاب اسلامی ایران، نشان می‌دهد که گرایش‌های قومی در ایران، همواره مورد توجه قدرت‌های خارجی قرار گرفته‌ و از اصلی‌ترین ابزار اعمال فشار آنان بر حکومت مرکزی بوده است. در اغلب بحران‌های جدایی طلبانه و چالش‌های قوم‌گرایانه، علائق و گرایش‌های قومی دستمایه دخالت نیر‌های بیگانه در سرنوشت کشور و تضعیف حاکمیت ملی توسط گروه‌های قومی، به نفع قدرت‌های غربی و شرقی بوده است. ظهور جمهوری اسلامی ایران به عنوان نظامی معترض به نظم و شرایط ناعادلانه حاکم بر نظام بین‌الملل، وضعیتی را به امر آغازن آرد تا بسیاری



عبدالرحمن قاسملو

✓ **حزب مردمکرات** در کردستان

از دولت‌های سلطه‌گر به ویژه دولت ایالات متحده، نتوانند با نظام ظهور ایران روابط دوستانه برقرار نمایند. بنابراین از همان آغازین روزهای پس از انقلاب ایران، دولت امریکا با اتخاذ تدابیر گوناگون به تقابل همه جانبه با ملت ایران پرداخت. اقدامات این دولت در مواجهه با حکومت اسلامی ایران، مجموعه‌ای از رفتارهای سخت تا نرم را تشکیل داده است. اقدام برای تهاجم نظامی، کودتا، براندازی، همه‌گسترده سیاسی، اقتصادی و فرهنگی علیه منافق ملت ایران، از جمله این اقدامات بوده است.

دامن زدن به مسائل قومی در ایران و تلاش برای تحریک برخی از نخبگان قریب خورده، از جمله ابزارهای دیگری است که به خصوص در سال‌های اخیر، از سوی دولت امریکا مورد توجه قرار گرفته است. این ابزار که به ویژه در سال‌های پس از وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر، مورد توجه سیاستگذاران امریکایی قرار گرفته، امروز شرایط مخاطره‌آمیزی در برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران ایجاد نموده است. از آنجا که شرایط امروز ایران از جهت قدرت دولت مرکزی، را نمی‌توان بسا ادوار تاریخی پس از مشروطه، پس از جنگ دوم جهانی و پس از انقلاب اسلامی قیاس نمود، لذا منشأ غالب اقدامات نرم و ضدامنیتی نهادهای گوناگون در داخل و خارج از مرزهای کشور از یک سو و اقدامات سخت‌خسونت‌آمیز صورت پذیرفته در نواحی جنوب شرقی، جنوب غربی و شمال غربی کشور از سوی دیگر، را باید در متغیرهای بیرونی جست‌وجو کرد. در این کتاب، نویسنده محترم ضمن واکاوی علل و عوامل دخیل در ظهور بحران‌های قومی در ایران و به تصویر کشیدن نمایی از وضعیت جامعه متکثر ایرانی، از آستانه ورود به هزاره سوم مسیحی تا به امروز، به بررسی نقش دولت امریکا در پیدایش و گسترش تمایلات و اقدامات جدایی طلبانه قومیت‌های مرزنشین ایرانی، در طول سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۱ پرداخته که امید است برای علاقه‌مندان مطالعات انقلاب اسلامی مفید واقع گردد…»

■ **نیما احمدپور**
پرویز ثابتی را که این روزها و در واپسین فصل حیات، آخرین ناله‌های سلطنت‌طلبانِ راسر می‌دهد، می‌توان در عداد پنهان‌کارترین آنان قلمداد نمود! نامبرده با مهارتی که در فرآیند انجام وظایفش آموخته است، با خیره‌سری و اطمینان به نفس مهمل می‌یافتد؛ پرونده او در ساواک اما، نکاتی مهم را درباره وی آشکار می‌سازد که از سوی وی سفح‌نور و در پرده نگاه داشته شده است. در مقالِ پی آمده و به مدد اسناد، به برخی از این موارد اشارت رفته است. امید آنکه متقد آید.

■ ■ ■

■ **مطالبه‌ای برای محاکمه ثابتی، پیش از رسیدن او به پایان خط حیات**

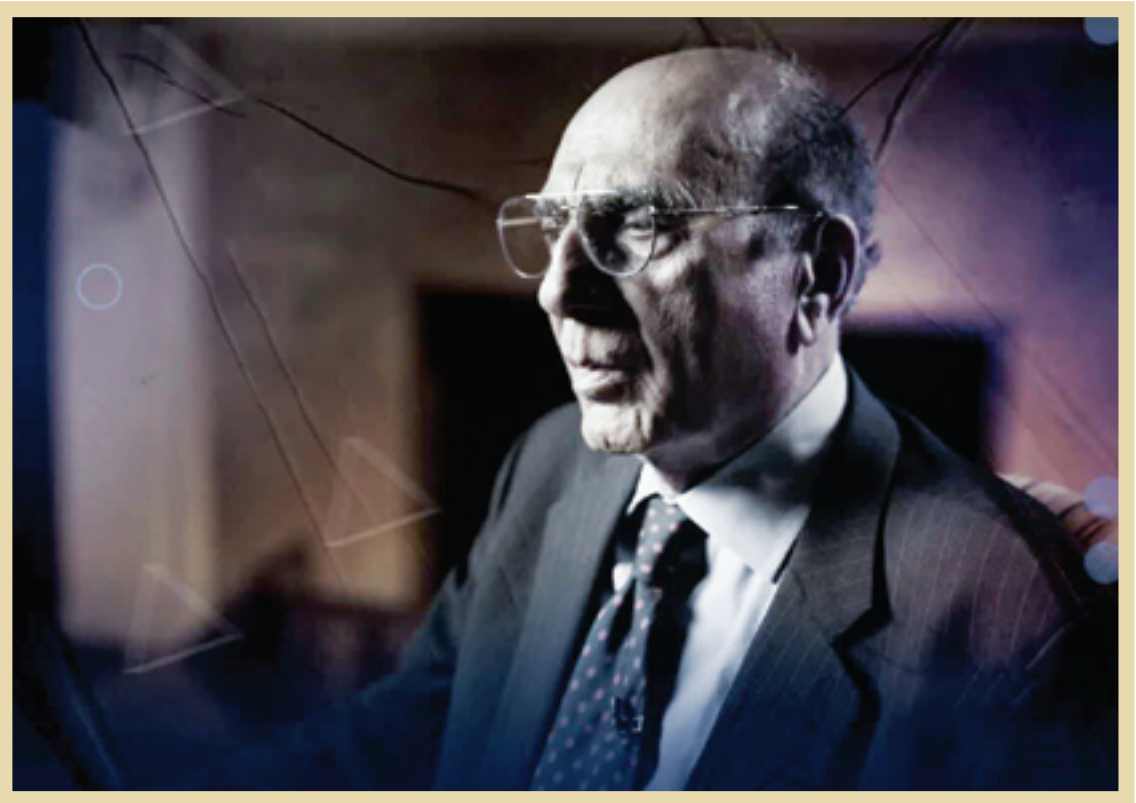
پرویز ثابتی را می‌توان موجودی تمام شده دانست، پیری که در واپسین فصل حیات در مقابل دوربین نشاندۀ شده، تا برای ساخته شدن مستندی سلطنت طلب محتوا دهد!او در اکنون هیچگاه خاطرات واقعی خویش را بروز نخواهد داد، چه در آن صورت باید خود و نظام تاریخ محصور بیشتری داشته باشد، آشنایی بیشتر با او که نامبرده اطلاعات خود از سیاهاکزی‌های حکومت شاه را، در نزدیک به ۲ هزار صفحه نگاشته برای انتشار در پس مرگش نهاده است!محمدامین فرج‌اللهی پژوهشگر سیاسی معاصر ایران، در باب چندوچون راهبایی ثابتی به ساواک آورده است:

«خارج شدن پرویز ثابتی از زندگی مخفی که در سال ۱۳۹۰ با انجام مصاحبه به صورت محتاطانه آغاز و در ۲۲ بهمن ۱۴۰۱، با انتشار عکس حضور او در تجمع معارضین امریکانشین تکمیل شد، جنجال زیادی به پا کرد. حال که پرویز ثابتی از مدیران ارشد امنیت داخلی ساواک، پس از سال‌ها زندگی مخفی بر آن است که گام به گام حضور بیشتری داشته باشد، آشنایی بیشتر با او خالی از لطف نیست. پرویز ثابتی، با کنفرانس مطبوعاتی فروردین ۱۳۵۰ مشهور شد. وقتی با عنوان مقام امنیتی، مقایل دوربین و خبرنگاران نشست و ابعاد طرح ناکام چریک‌های فدایی خلق در سیاهاکل، را تشریح کرد. در آن زمان کمتر کسی می‌دانست که چهره رونمایی‌شده است و در عداد این اقدامات بوده است. در عداد این اقدامات دو مدارک له امنیت داخلی ساواک است و در کارنامه‌اش، ریاست اداره عملیات و بررسی امنیت داخلی و مسئول بخش کمونیستی را نیز دارد. پس از همین گفت‌وگو بود که ریاست ساواک دستور داد، تا برایش محافظ بگذارند. پرویز ثابتی متولد ۱۳۱۵ در سنکسر و فرزند حسین ثابتی و ضیاء، رحمانیان است. او که چهار برادر و یک خواهر داشت، در سال ۱۳۳۷ در رشته حقوق از دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، فارغ‌التحصیل شد و پس از مدت کوتاهی

«مقام امنیتی» را که این روزها و در واپسین فصل حیات، آخرین ناله‌های سلطنت‌طلبانِ راسر می‌دهد، می‌توان در عداد پنهان‌کارترین آنان قلمداد نمود! ثابتی با مهارتی که در فرآیند انجام وظایفش آموخته است، با خیره سری و اطمینان به نفس مهمل می‌یافتد؛ پرونده او در ساواک اما، نکاتی مهم را درباره وی آشکار می‌سازد که از سوی وی سانسور و تاکنون در پرده نگاه داشته شده است

عاریخ

تاریخ ۶۰۴۰۸۵۲۳



پنهان داشته‌های پرویز ثابتی، در آیینه اسناد ساواک

روایت کاریکاتوری وقایع واپسین برگ از دفتر حیات «مقام امنیتی»

معلمی، با نام مستعار پرویز غفارپور به استخدام ساواک درآمدا دو نفر معرفی‌ش، یکی ضرابی مدیر کل اداره ششم (اداری مالی) ساواک دیگری سیف‌الله شهباب از مدیران اداره کل سوم بودند.او در ادار یکم اداره کل امنیت داخلی، پس از یک سال ریاست بخش کمونیستی را بر عهده می‌گیرد و تا سوم مرداد ۱۳۴۵، در همین مسئولیت باقی است. پس از این تا پایان سال ۱۳۴۸، ریاست اداره یکم امنیت داخلی را بر عهده می‌گیرد که مسئولیتش کشف، مراقبت و تعقیب فعالیت‌های براندازی است. مهم‌ترین بخش‌های زیرمجموعه او احزاب و گروه‌های کمونیست و احزاب و گروه‌های افراطی سیاسی، در کنار اعراب، بلوچ‌ها و اکراد است. دو بخش ابتدایی، عمل‌اجدی‌ترین منتقدان و مخالفان حکومت، یعنی چریک‌های فدایی خلق و روحانیون را شامل می‌شد. او در این سال‌ها برای مأموریت و شرکت در دوره‌های آموزشی مختلف، به کشورهای مثل: ترکیه، امریکا و انگلستان نیز سفر می‌کند. ثابتی از واپسین روزهای ۱۳۴۸ تا ۲۳ فروردین ۱۳۵۲، یکی از دو معاون اداره کل سوم (امنیت داخلی) است. مهم‌ترین مسئولیت او که باعث شهرتش می‌شود، مدیریت کل امنیت داخلی ساواک در بازه سال‌های ۱۳۵۲ تا هفتم آبان ۱۳۵۷ است. در تمام این سال‌ها امضای ثابتی، پای پرونده اغلب منتقدان، مخالفان و مبارزان رژیم شاه بود. او از چریک‌های فدایی خلق و توده‌ای‌ها گرفتار (که او در خاطراتش آنها را کمونیسم – تروریسم می‌نامد)، تا مجاهدین خلق و روحانیان مبارز سراسر کشور و مردم عادی و حتی ضربه زدن به تیمور بختیار اولین رئیس ساواک که در عراق مستقر و ضد رژیم شاه فعال بود. ثابتی در این سال‌ها، بخشی از رأس ماشین سرکوب رژیم شاه بود. او از آبان ۱۳۵۵ اجازه حمل اسلحه برای حفاظت از خود و از اسفند ۱۳۵۶ با توجه به جایگاه شغلی‌اش، ۲۰در صد بیش از حقوق عادی‌اش به دینمند ام و گفت‌و خطرات شغلی دریافت می‌کرد. در آبان ۱۳۵۷، وقتی ثابتی احساس می‌کند رژیم شاه دیگر ماندنی نیست، تقاضای بازنشستگی می‌کند و به فاصله دو سه روز پس از انتصاب به عنوان مشاور ساواک و در دم‌ه آبان، با حقوق بالایی بازنشست شده و از کشور خارج می‌شود. مقصد کجا بود؟ حسین فردوست که سال‌ها قائم‌مقام ساواک و مسئول دفتر اطلاعات دربار بود، سال‌ها بعد در خاطراتش می‌گوید: ثابتی برای خداحافظی به دینمند ام و گفت‌و می‌خواهد به امریکا برود و همتای امریکایی او در سفارت، برایش مسجل کرده که در سیا شغلی به او واگذار خواهد شد. در سال‌های ابتدایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بسیاری از شخصیت‌های اطلاعاتی و نظامی رژیم شاه در میدان مبارزه سیاسی و فعالیت برای براندازی انقلاب تازه پیروز شده، حاضر بودند. با این حال پرویز ثابتی جزو

پرویز ثابتی را می‌توان موجودی تمام شده دانست، پیری که در واپسین فصل حیات در مقابل دوربین نشاندۀ شده، تا برای ساخته شدن مستندی سلطنت طلب محتوا دهد!او در اکنون هیچگاه خاطرات واقعی خویش را بروز نخواهد داد، چه در آن صورت باید خود و نظام متبوعش را سسیاه کند! با این همه اخبار حاکی از آن است که نامبرده اطلاعات خود از سیاهاکزی‌های حکومت شاه را، در نزدیک به ۲ هزار صفحه نگاشته و برای انتشار در پس مرگش نهاده است!

آنکه یکی از دلایل او در ضدیت با شیعه، کاربرد تقیه در این مذهب است که آن را مجاز دانستن دروغ‌گویی در مواقع لازم تعبیر می‌کند. ثابتی با وجود اینکه مدعی است از سن بلوغ دینی نداشته، اما در پرسشنامه استخدامی خود که ۱۴/۵/۱۳۴۷ در اداره کل سوم ساواک پر کرده، کنار ستون مذهب نوشته: اسلام (شیعه اثنی‌عشری). او در پشت صفحه پرسشنامه، این توضیح را نوشته است: البته باید در ستون مذهب باید نوشت شیعه، زیرا اسلام دین است و شیعه مذهب است، ولی اینجاب در کلیه سوالات، در پاسخ ستون مذهب اسلام نوشته‌ام و این امر از جهت اشتباه است و باید می‌نوشتم شیعه. علیهذا جهت مزید استحضار اضافه می‌نماید، کلیه‌اشخاصی که بنده نوشته‌ام مذهب اسلام، به دین اسلام متدین دارای مذهب شیعه اثنی‌عشری می‌باشند… او دین پدرش حسین و مادرش ضیاء را اسلام ذکر کرده و بر خلاف ادعای اخیرش، در سال ۱۳۴۷ مذهب خاله‌ها و خاله‌زاده‌هایش را اسلام و مذهب دایی‌هایش را، فرقه بهایی عنوان کرده است. قریب دیگر ثابتی این بود که او در پرسشنامه استخدامی از لفظ فرقه بهایی استفاده کرده است، اما در کتاب خاطراتش بهابیت را از ادیان ابرهیمی و شاخه‌ای از دین اسلام (شیعه اثنی‌عشری) می‌داند…»

■ **دروغ پردازی در بی‌اعدام ۹ نفر از زندانیان سیاسی**
یکی از شاهکارهای ثابتی در دوره ریاست ساواک، سرر هم دادن داستان فرار ۹ زندانی سیاسی و در واقع عدم آنهاست! اگر چه در دوران اعلام این خبر و در دسترس قرار گرفته است، باید انتظار داشت پرونده حقوقی جدی و مستندی درباره او، در نهادهای حقوقی بین‌المللی تشکیل شود…»

■ **ثابتی و دروغ پردازی در ساراه معتقدات دینی خویش**

«مقام امنیتی» سابق عادت دارد که در مقام اظهار لحنه خود را «بی‌خدا» معرفی کند!او به شکل همزمان و عکس در خاطر اتش، شیعه را به لحاظ اعتقاد به تقیه مذمت می‌کند و آن را نوعی مجوز دروغ پردازی می‌داند! با این همه هم او در معرفی دین خود در بدو ورود به ساواک، به نوعی تقیه کرده و خویش را مسلمان معرفی نموده است! او در مقالی بر تاز نامی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، در این باره می‌خواینم:

«در قسمت اول مستند پرویز ثابتی – که شبکه من‌تو در سوم آذر آن پخش کرد- مدیر امنیت داخلی ساواک ادعا نمود که در عراق مستقر و ضد رژیم شاه فعال بود. ثابتی عمه‌هایش مسلمان و خاله‌هایش بهایی بودند و درباره خودش نیز گفته: من از همسان موقع اعلام کردم، هیچ دینی ندارم… علاوه بر آن خودش را یک آگنوستیک (ندانم‌گرم) معرفی کرده و مدعی است: هنوز وجود خدا به طوری که ما می‌شناسیم یا به معرّفی شده اثبات نشده است… او این ادعاها را برای اولین بار، در کتاب خاطراتش (در دامگه حادثه) که در سال ۱۳۹۰ منتشر شد، گفت: از موقعی که من بی‌لغ رسیده و خود را شناختم، به هیچ دینی اعتقاد نداشته‌ام، یک فرد غیر دینی و غیر مذهبی بوده‌ام، نه بهایی بوده‌ام و نه مسلمان و نه پیرو دینی دیگر… از لحاظ فلسفی من به او نامیسم (انسان‌گرای) باور دارم، آگنوستیک هستم یعنی عقیده دارم وجود خدا به صورتی که معرفی شده است، ثابت نگردیده است… ولی در همان گفت‌وگوها، ضدیت آشکار خود را با مذهب نشان داد؛ واقعا اگر قدرتی داشتیم، نقش مذهب را به مذهب می‌سندم و روشنگری می‌کردم… چنانکه خود نیز در کتاب خاطراتش اشاره کرده، در پرسشنامه استخدامی (چه در وزارت آموزش و پرورش، چه وزارت دادگستری و چه ساواک) می‌نوشت مسلمان شیعه اثنی‌عشری: من که نمی‌توانستم بنویسم بی‌دین، اینقدر احقق و متعصب نبودم که آن بنده خدمتی خود را خراب کنم که چه؟ چه چیزی را می‌خواستم ثابت کنم؟» جالب



اوایل دهه ۵۰ پرویز ثابتی در گفتگو با خبرنگاران در محل کمیته مشترک ضدخرابکاری ساواک

به اسناد موجود در این باره، خاطر نشان می‌سازد:

۹ جونا

«در سال ۱۳۴۷ که ثابتی پرسشنامه استخدامی را در اداره کل سوم ساواک پر کرد، مستأجر خانه‌ای بود در خیابان تخت‌جمشید صاحبخانه برادرش حمید بود. از سال ۱۳۲۸ که از سنکسر سمنان به تهران آمده بود، در خانه اقوام ساکن بود، در محله‌های دامپزشکی، نارمک و تهران پارس. پرویز ثابتی در سال ۱۳۴۸، از ریاست اداره یکم امنیت داخلی به معاونت اداره سوم رسید و از ۲۳ فروردین ۱۳۵۲ تا هفتم آبان ۱۳۵۷، رئیس اداره سوم ساواک بود. به علت نداشتن معافیت دائم از خدمت نظام وظیفه، از ۱۵ تیر ۱۳۳۸ به‌طور روزمزد به استخدام ساواک درآمد و از ۱۴ دی ۱۳۴۰ و با رتبه ۲، به وضعیت رسمی تبدیل شد. پس از آن مدت خدمت روزمزد او، جزو ادوار خدمت رسمی وی محسوب شد و با تصویب معاون ساواک از ۱۵ تیر ۱۳۴۱، به رتبه ۳ ارتقا پیدا کرد. حقوق او در سال ۸۰۰، ۱۳۴۰ ریال و در سال ۱۳۴۱ و قبل از تقا به رتبه ۳، ۱۶۰۰ ریال و تا تیرماه ۱۳۴۲، حدود ۱۸۰۰ ریال محاسبه شد و پس از آن ۸۰۰ ریال حقوق سنواتی برای او منظور شد. اسم پرویز ثابتی در یک فرقه سوءاستفاده مالی (دریافت زمین از اوقاف و فروش به مبلغ یک میلیون ریال) به میان آمد و حتی در پرونده پرسنلی او نیز درج شده است. در نامه فردی به نام محمد حسینی به تیمسار حسین فردوست رئیس دفتر مخصوص بازرسی شاهنشاهی، چنین آمده است: چندی قبل رونوشت اعلام جرمی که بر علیه نصیرالدین عصار رئیس سازمان اوقاف، سفارشی دو قبضه به شماره ۷۳۳۲۷ به دادستان دیوان کافر داده بودم، خدمت جنابعالی تقدیم گردید و همانطور که انتظار می‌رفت، طبق دستور مأموری به نام آقای حسینی جهت رسیدگی اعزام شد. مأمور مذکور به پیروی از اصل کلی، تحت تأثیر تطمیع پول و زمین و سایر وعده‌های عصار قرار نگرفت، ولی از طرف آقای پرویز ثابتی مدیر کل سازمان امنیت – که نامش در اعلام جرم مذکور آورده شده بود و زمینی از اوقاف دریافت نموده و به مبلغ یک میلیون ریال فروخته بود- تحت فشار قرار گرفت. تا جایی که اجازه اتمام رسیدگی به کارهایش را به او ندادند و در وسط کار، بدون اخذ نتیجه مطلوب احضارش کردند و در وسط کار بدون اخذ نتیجه مطلوب احضارش کردند… البته بر کشفین ثابتی در سازمان اطلاعات کرمانشاه کشور (ساواک)، خانواده او را نیز از مواهب مناصب اقتصادی بی‌نصیب نگذاشت. برادرش هوشنگ ثابتی از ۳۰ بهمن ۱۳۵۴، مدیرعامل سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران شد. راننده همسر پرویز ثابتی که استوار ارتش بود، در جریان یک بگومگو در فروشگاهی در خیابان جردن و در حضور همسر او، جوانی را کشت که قتل غیر عمد تشخیص داده شد و در دادگاه بدوی، به ۱۰ سال زندان محکوم شد و در مرحله تجدید نظر، به شش سال کاهش پیدا کرد و همچنان در زندان بود که ثابتی ایران را ترک کرد!

■ **سیاهه‌ای از اموال خارج شده و نشده ثابتی از ایران**

در اسناد و مکاتبات داستانی انقلاب اسلامی و بنیاد مستضعفان، گزارشاتی گویا از اموال پرویز ثابتی وجود دارد. مرکز اسناد انقلاب اسلامی پس از انتشار مصاحبه نامبرده در شبکه من و تو، شمعی از آنها را با تحلیلی گویا به شرح ذیل منتشر کرده است:

«ثابتی در ۹ آبان ۱۳۵۷ از ایران خارج شد؛ چنانکه در کتاب خاطراتش در دامگه حادثه گفته، اول به پاریس رفت و بعد به هالیو! او البته فرار کرد، چه اینکه خود گوید، ما هم ممکن بود برای راضی کردن مخالفین زندانی‌کنند که اگر مانده بودم، قطعاً می‌کردند! اما او که در سال ۱۳۴۷ در خانه برادرش ساکن بود، ۱۰ سال بعد که از ایران خارج شد، میلیون‌ها تومان به ایران خارج کرد و چندباب خانه در بهترین مناطق تهران داشت. طبق اعلامیه جامعه کارکنان بانک مرکزی ایران در آستانه انقلاب، پرویز ثابتی جزو مقامات مسئولی بود که طی ماه‌های شهریور و مهر ۱۳۵۷، ارز بی‌بازرگانی را از طریق بانک‌های مختلف به خارج می‌فرستاد. آن ۱۲۵ میلیون تومان در آن سال که با تبدیل ارزش ریالی آن (با محاسبه بر بانک مرکزی) معادل ۶۴۹/۶۴۵/۸۷۸/۶۳۰ دلار است امروز می‌شود در دهم اردیبهشت ۱۳۵۸، دادستان کل انقلاب حکم جمع‌آوری مدارک و اموال پرویز ثابتی را صادر کرد. اوتومیل او ماشین سواری مدل چروکی چیف و ب.ام. و ۵۱۸ پدو، در سال ۱۳۴۴، بنیاد مستضعفان نتیجه اقدامات انجام‌شده بپرویز همسار اموال پرویز ثابتی و اقارب در چه اول او را، به داداری اجرای احکام داسرای انقلاب اسلامی اعلام کرد که طبق آن مشخص شد او مالک این اموال است:

۱- منزل دو طبقه به مساحت ۲۱۷ مترمربع، واقع در نیلوار، جمشیدیه.
۲- ملک واقع در اقدسیه، خیابان بیمارستان، کوی شهید چمران، به مساحت ۴۶۸۰ مترمربع.
۳- دو قطعه زمین واقع در شهرک غرب، فاز متفرقه، قطعات ۲۲۱۰ و ۲۲۱۳ به نام پریسا ثابتی (دختر پرویز ثابتی).
۴- اوتومبیل ب.ام. و مدل ۷۸، متعلق به بنسیرین غفارپور همسر.
۵- یک قطعه زمین به مساحت ۵۲۵ مترمربع، در شهر بندرترکم.
۶- البته پردیس ثابتی زمین شهرک غرب را، در ۵۷/۳/۲۱ سفرات امارات متحده عربی فروخت. حضور در ساواک (طبق گفته خودش) با این میزان اموال خارج‌کرده و بر جای مانده از ابتدای انقلاب تا امروز، در ایالات متحده سکونت دارد. کارمندی که با اجازه‌نشنینی و حقوق روزمزد، در خود را در ساواک شروع کرد و ۲۰ سال بعد با کار ملک گرانبها و دو قطعه زمین و ماشین و به پول امروز ۶۲۰ میلیارد و ۸۷۸ میلیون تومان ارز، از ایران فرار کرد!…»